بررسی دانش بومی زنان روستایی در تولید و مدیریت محصولات دامی- روستای امامزاده صالح کوتاه

سمیه دهداری[۱]، محمد فرجی[۱]، عالم چراغیان*[۲] و مهدی قربانی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۳/۳۰

چکیده

امروزه اهمیت استفاده از دانش بومی هر روستا به‌عنوان یکی از راهکارهای کلیدی به‌منظور تحقق اهداف مدیریتی و توسعه پایدار روستاها بر کسی پوشیده نیست. به همین منظور مقاله حاضر در قالب یک تحقیق کیفی با مشارکت عملی باهدف توجه به کاربرد دانش بومی مردم روستا امامزاده صالح کوتاه شهرستان اندیکا در زمینه تولید و مدیریت محصولات دامی انجام شده است. نتایج تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که مردم روستا نسبت به شیوه فرآوری و سودآوری محصولات دامی آگاهی داشته و آن را از گذشتگان خود به ارث برده‌اند. هدف آن‌ها به‌خصوص از آنجایی که این وظیفه در یک نهاد "عیالواری" بر عهده زنان روستا می‌باشد، کمک به اقتصاد خانواده است. آن‌چنان که از گذشته زن روستایی نقش بسیار گسترده‌ای در تمام ارکان زندگی روستایی ایفا می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در این روستا با توجه به وسعت و کوهستانی بودن مراتع هدایت گله در مرتع به‌صورت انفرادی اما در استفاده از مراتع به‌صورت مشارکتی است و در این راستا پرورش دام در وهله اول به‌منظور تولید گوشت، سپس فرآوری‌های حاصل از شیر مانند "کره"، روغن محلی" و "کشک" دیگر محصولاتی که به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند، صورت می‌گیرد. در راستای تولید و مدیریت محصولات دامی عقاید و تعصبات فرهنگی در قالب سازمان اجتماعی خاص شکل گرفته که مورد تائید کلیه افراد این سازمان است. در نهایت می‌توان گفت که دام‌گذاری متناسب در مرتع و نوع رابطه دامداران روی مدیریت آن، بر عملکرد دام در مرتع و در نتیجه میزان درآمد دامدار مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: زنان روستا، عقاید فرهنگی، توسعه پایدار، اقتصاد، سازمان اجتماعی.

[۱]- استادیار استادیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست امام حسن مجتبی (ع)، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص)

[۲]- دانشجوی کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست امام حسن مجتبی (ع)، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص)

*: نویسنده مسئول: a.cheraghian8@yahoo.com

[۳]- دانشیار دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

مقدمه

دانش بومی، تجربه‌هایی هستند که متناسب با شرایط اقلیمی منطقه، امکانات طبیعی در دسترس، باورها و اعتقادات مردم و تعصبات آن‌ها با آزمون و خطاهایی به قدمت زندگی یک قوم ثابت شده‌اند. به عبارتی دیگر دانش بومی برخاسته از متن جوامع بشری در طول دوران و سده‌های طولانی است که به شکل شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حاصل تجارب و آزمون و خطاهایی بوده که در بستر طبیعی پدید آمده است و ریشه در باورهای مردم دارد (۲۳). دانش می‌تواند از منابع علمی یا سنتی به وجود آید (۵). به‌خصوص دانش سنتی که به‌عنوان یک بدنه انباشته از دانش، عرف، اعتقاد توصیف شده و به‌وسیله فرآیندهای سازگار پذیر از میان نسل‌ها از طریق انتقال فرهنگ در حال تحول است (۱۰). یکی از شاخه‌های گسترده دانش بومی در زمینه‌های مختلف، دانش بومی بهره‌برداری از مرتع و نحوه فرآوری و سودآوری آن‌ها از طبیعت است. دامداری، به‌عنوان منبع اصلی درآمد روستانشینان روستای امامزاده صالح کوتاه است که در کنار آن فعالیت کشاورزی نیز برای تکمیل و کمک به فعالیت دامداری انجام می‌شود. دام نقش حیاتی در زندگی کشاورزان ایفا می‌کند. دام باعث تولید کود کشاورزی، سوخت، شیر، گوشت و همچنین تولید اقتصاد روستایی و اشتغال روستایی می‌شود (۱۴). در واقع دامداری اقتصاد عمده عشایر و اقتصاد درجه دوم غالب روستاهای ایران می‌باشد و لذا پس از کشاورزی بیشترین حجم و انواع مشارکت و یاریگری در پیرامون آن شکل گرفته است (۷). بنابراین با توجه به اهمیت مرتع به‌عنوان یک بستر طبیعی و در نتیجه حیاتی برای دامداران، بررسی شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته بین آن‌ها به‌منظور بهره‌برداری از مراتع بسیار حائز اهمیت خواهد بود. به‌طوری که یکی از مهم‌ترین نظریات جامعه‌شناختی در مدیریت مشارکتی انطباقی مفهوم سرمایه اجتماعی است (۹). دیدگاه شبکه با مطالعه روابط اجتماعی موجود بین مجموعه‌ای از افراد به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد. بدین ترتیب که با مطالعه روابط اجتماعی بین بهره‌برداران، محققان قادرند پایداری شبکه مورد نظر و میزان پیوندهای موجود در شبکه و همچنین میزان سرمایه اجتماعی شبکه را مورد بررسی قرار دهند (۶). در این بین نیز می‌توان تأثیرگذاری روابط اجتماعی در قالب شبکه‌های اجتماعی بر روی نحوه مشارکت مردمی که به‌طور مستقیم با مراتع در ارتباط هستند را در حفظ، حمایت و سودآوری از مراتع را درک کرده و به نحوی از مدیریت مشارکتی آن‌ها برای ارتقاء منابع طبیعی سود جست. پس با شناخت صحیح جنبه‌های مختلف دام‌پروری سنتی می‌توان در صورت لزوم نیاز دامداران را با معرفی و به‌کارگیری شیوه‌های نوین برآورد کرد. امروزه، این دانش شفاهی، که از نسلی به نسل بعد سینه به سینه انتقال یافته، به‌سرعت رو به نابودی است (۴). بر همین اساس معرفی سنت‌ها و دانش‌های بومی ایران مورد توجه بسیاری از محققین بوده است از جمله مطالعه دانش بومی تغذیه دام کوچندگان نشان داد که دامداران به‌منظور رسیدن به تولید مطلوب به تفاوت الگوهای تغذیه در مراحل مختلف فیزیولوژیک توجه لازم را داشته و مراتع را بر حسب کیفیت به تغذیه نوع خاصی از دام‌ها می‌رسانند (۱). نتایج مطالعه بر روی دانش بومی در تولید محصولات دامی در ناحیه هردنگ حاکی از غنای بالای دانش در پرورش دام‌های سبک و سنگین می‌باشد (۲۳). دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت محصولات دام گوسفندی روستای کدیر استان مازندران معرف این حقیقت است که گله‌داران در روستای مورد مطالعه، برای مدیریت دام و فرآوری شیر آن‌ها، سازمان اجتماعی را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند (۲). تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار را مورد بررسی قرار گرفت و بیان شده که زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت در مناطق روستایی و عشایری در دنیا نقش بسزایی در اقتصاد و امور خانه دارند و دستیابی به توسعه پایدار روستایی بدون توجه به این قشر ممکن نیست و دانش بومی زنان روستایی از جمله ضروریاتی است که جامعه برای رسیدن به توسعه به آن نیاز دارد (۲۰). یوناه و همکاران (۲۰۱۴)، بر شناخت نقش زنان روستایی و دانش بومی آن‌ها را برای برنامه‌های توسعه پایدار تأکید دارند (۲۲). نتایج مطالعه بوم‌شناسی فرهنگی: تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چرا کننده در مرتع (۱۷) همچنین مطالعه دانش بومی و نظام سنتی شیردان در شبکه زنان روستایی (۱۸) حاکی از آن است که زنان دامدار روستایی در فرآیند توسعه، همواره مشارکتی

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

فعالانه و تأثیرگذار دارند، آن‌ها با دانش بومی خود همواره نقش مهمی را در مدیریت شیر و تهیه فرآورده‌های لبنی دارا می‌باشند. علاوه بر کارکرد مرتع به‌عنوان چراگاه و در نتیجه امکان دامداری و فرآوری تولیدات دامی، در دیگر زمینه‌ها نیز در مراتع شرایط سود اقتصادی وجود دارد به‌طوری‌که پرهیزکاری و همکاران، ۱۳۹۳ یکی از رایج‌ترین کارکردهای مراتع کوهستانی را فعالیت زنبورداری و تولید عسل می‌دانند (۱۵). همچنین یگانه و همکاران ۱۳۹۴، ضمن مطالعه حوزه آبخیز سد تهم به‌عنوان یکی از جاذبه‌های طبیعت‌گردی و زمین گردشگری استان زنجان، ارزش تفریحی سالانه این منطقه را حدود ۳۹۰۰۰ ریال در هکتار و ارزش کل تفریحی آن را بیش ۵۳۹ میلیون ریال برآورد کردند که نشان دهنده توجه بازدیدکنندگان به منابع تفریحی منطقه مورد نظر است (۲۱). به جهت اهمیت دانش بومی این پژوهش باهدف شناخت و تحلیل سنت‌های محلی زنان روستای امامزاده صالح کوتاه به‌عنوان بخشی از سبک زندگی آن‌ها در زمینه تولید و مدیریت محصولات دامی اعم از گوشت، شیر، پشم و دیگر فرآوری‌های ثانویه آن‌ها صورت گرفت.

مواد و روش

به‌منظور انجام این تحقیق روستای امامزاده صالح کوتاه بانام دیگر بنه جانعلیوند از توابع استان خوزستان انتخاب شد. این روستا واقع در شهرستان اندیکا بخش آبژدان و در دامنه کوه شو در طول و عرض جغرافیایی "۲۴ '۳۰ °۴۹، "۳۲ '۳۰ °۴۹ و "۲۱ '۰۳ °۳۲، "۲۱ '۰۳ °۳۲ قرار دارد. با توجه به اطلاعات نزدیک‌ترین ایستگاه آب و هواشناسی میزان متوسط بارندگی سالیانه بخش آبژدان ۷۱۵ میلی‌متر، حداقل و حداکثر دمای سالیانه به ترتیب ۶- و ۴۳/۸ درجه سانتی‌گراد است. طبق آمار حاصل شده از خانه بهداشت محل جمعیت ثابت این روستا ۱۵۸ نفر و ۳۳ خانوار می‌باشد؛ اما جمعیت این روستا به دلیل کمبود امکانات رفاهی و تحصیلی شهرستان در طول سال متغیر می‌باشد. به‌طوری‌که در فصل تابستان و ایام نوروز بیشترین تعداد جمعیت را دارد. تمام ساکنین منطقه از ایل بختیاری بوده و با گویش بختیاری سخن می‌گویند. طوایف ساکن روستا مدملیل، سادات صالح کوتاه و کتکی می‌باشند که نسبت به هم خویشاوند دور و نزدیک، و همه مسلمان و شیعه می‌باشند. در گذشته شغل اکثر ساکنان محلی دامداری و کشاورزی بوده اما امروزه علاوه بر دامداری و کشاورزی گاها داشتن شغل آزاد نیز دیده می‌شود. شرایط آب و هوایی این منطقه روستا را به یک روستای قشلاقی تبدیل کرده است. وضعیت اقلیمی، توپوگرافی و تنوع پوشش گیاهی منطقه امکان نگه‌داری انواع دام سبک و سنگین را فراهم آورده است. هر کدام از این دام‌ها به جهت استفاده‌ای که دارند اعم از تولید گوشت، شیر، پشم توسط روستانشینان نگه‌داری می‌شوند. سطح مراتع در این روستا با استفاده از اطلاعات اداره منابع طبیعی تقریباً ۹۵۳ هکتار تخمین زده می‌شود. در این روستا با توجه به وسعت و کوهستانی بودن مراتع هدایت گله در مرتع به‌صورت انفرادی است به این صورت که در هر خانواده دامدار سرپرست خانواده مسئول چرانیدن گله است؛ اما تمامی دامداران به‌صورت مشترک و مشاع از مراتع استفاده می‌کنند. شیردوشی از گوسفندان در فصل بهار و تابستان انجام می‌گیرد که برای این کار دام که از دو نوع نژاد نجدی و شبیه به بومی سیستان و بلوچستانی است را در محل آغل آورده و مجدداً برای چرا به مرتع بازگردانده می‌شوند. تعداد دام در ترکیب گله معمولاً برای هر دو گله بز و گله بز و گوسفند بین ۴۰ تا ۸۰ رأس می‌باشد. این تعداد گله به‌جز در فصل زمستان و بره‌زایی که از علوفه تکمیلی نیز استفاده می‌کنند کاملا به مرتع وابسته هستند. سیمای گیاهی عرصه به‌صورت علفی، بوته‌ای، درختی، و درختچه‌ای است. نوع مراتع در این منطقه به‌صورت مشجر، کوهستانی و پس‌چر زمین‌های کشاورزی است. گونه‌های درختی شاخص این منطقه بلوط ایرانی *(Quercus brantii)*، بنه *Pistacia (atlantica)*، کلخونگ *(Pistacia khinjuk)*، بادام *(Amygdalus spp)*، رملیک *(Ziziphus nummularia)*، کنار *(Ziziphus (spina- Christi* و گونه‌های علفی از خانواده گندمیان و بقولات است.

روش تحقیق

انجام این تحقیق کاملا به‌صورت کیفی با مشارکت عملی می‌باشد. به این منظور برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های مصاحبه و مشاهده استفاده شد. دامنه جمع‌آوری

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

اطلاعات به‌طور کلی از روش‌های کیفی کاملا بدون ساختار همچون دیدار و گفتگوی آزاد بود. در مصاحبه‌ها، پرسش‌ها با محوریت انواع فرآوری‌های حاصل از شیر، پوست، پشم و مو، نحوه‌ی فرآوری محصولات، مدت زمان فرآوری، ادوات و ابزار به کار گرفته در راستای تولید، تفاوت بین کیفیت و مرغوبیت فرآوری‌ها از نظر نوع دام، وضعیت مدیریت، وضعیت فروش، نحوه بهره‌وری از مرتع در زمان‌های مختلف سال، بررسی میزان نقش زنان در راستای تولید محصولات، باورها و عقایدی که در راستای تولید محصولات و دیگر نکته برداری‌های لازم، انجام شد. تعداد دفعات پرسش در مورد هر یک از فرآوری‌ها به حدی بود که هدف از سؤال و توانایی تحلیل دانش مربوط به آن امکان‌پذیر گردد. شرط لازم در مطالعات دانش بومی تأکید بر زبان محلی و بومی مردمان منطقه می‌باشد، لذا در این تحقیق نیز محقق خود با این سبک زندگی آشنایی داشته و به لهجه بومیان نیز تسلط داشت. سپس این اطلاعات گردآوری شده بدون تجزیه و تحلیل آماری و کمی شده در قالب گزارش تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده ارائه گردید.

نتایج

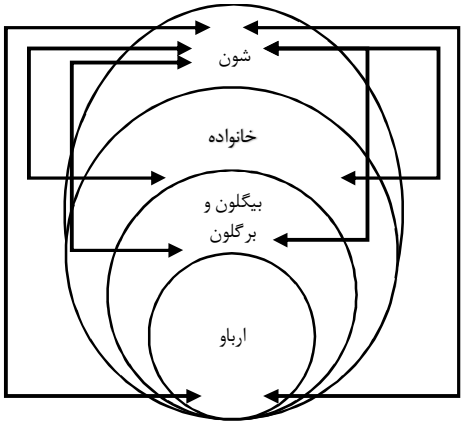
در سامان مورد مطالعه تعداد ۲۴ نفر دامدار در قالب گله که از این تعداد ۴ گله بز، ۱۴ گله ترکیبی بز و گوسفند و ۶ نفر نیز فقط گاو (در تعداد ۳-۷ رأس گاو) به‌منظور معیشت نگه‌داری می‌کنند. پرورش ماکیان (مرغ و خروس) نیز در تمام خانواده‌ها رایج است. گله‌داران در روستای امامزاده صالح کوتاه در قالب یک شبکه اجتماعی در استفاده از مرتع به‌صورت گروهی از سامان‌های عرفی مشاعی روستا بهره‌برداری می‌کنند. این دامداران برای مدیریت دام از سه قسمت مرتع شامل جنگل و اشکوب علفی کوه شو طی دو دوره در سال هر دوره به مدت تقریبی ۴۵-۵۰ روز، دامنه‌های کوه تا امتداد مراتع حریم و پس‌چر زمین‌های کشاورزی اطراف روستا مدت باقی سال را همان‌طور که در ادامه بیان می‌گردد، استفاده می‌کنند. در فصل زمستان نیز علاوه بر چرا از علوفه تکمیلی نیز جهت تعلیف دام بهره می‌گیرند.

نهاد اجتماعی تشکیل شده در مدیریت مرتع بین گله‌داران و دیگر اعضای مرتبط

همان‌طور که بیان شد در امر استفاده از مراتع همه دامداران به‌صورت مشارکتی و در یک شبکه اجتماعی خاصی که از سالیان دراز بعد از اسکان در روستا (طبق گفته‌ی ساکنان با بیشترین سابقه‌ی یک جا نشینی حدود ۴۵ سال از اسکان یافتن آن‌ها می‌گذرد) بین گله‌داران تشکیل می‌شود، که در این شبکه همه دامداران به‌طور کلی ملزم به رعایت زمان ورود و خروج دام به سه قسم مراتع یاد شده می‌باشند. دامداران این هماهنگی را به‌طور کلی با جلساتی که بین خود برقرار می‌کنند، انجام می‌دهند. برای امر چرا در پس‌چر زمین‌های کشاورزی این منبع غذایی را به دو قسمت تقسیم می‌کنند، اول اینکه "سری زیر" یعنی پس‌چر قسمت پایین روستا که از اواسط اردیبهشت تا اواخر خرداد، و قسمت "سر والا" پس‌چر بالادست روستا از اوایل خرداد تا اواسط مرداد ماه مورد استفاده دام قرار می‌گیرد. این قسمت پس‌چر، "سر والا" به "نِصار" و "کُلَه شَه" منتهی می‌شود. لازم به ذکر است که برای آب شرب دام نیز از آب چشمه دائمی که از وسط زمین‌های کشاورزی می‌گذرد تأمین می‌گردد آب این چشمه با نزدیک‌تر شدن به تابستان به میزان زیادی تقلیل می‌یابد. از این زمان یعنی اواسط مرداد به بعد، قسمت دوم مرتع نیز که خود به دو قسمت "نِصار" دامنه کوه با شیب ملایم رو به شمال با پوشش جنگلی و اشکوب علفی مناسب منتهی شده به قسمت دوم منطقه "کُلَه شَه" با پوشش مشجر و اشکوب علفی جایی تا اواخر مهر تمامی دامداران به‌صورت مشترک و هر دو منطقه هم زمان مورد تعلیف دام قرار می‌گیرد. آب شرب دام نیز از چشمه دائم با دبی مناسب در منطقه "کُلَه شَه" تأمین می‌گردد. برای استفاده از مراتع بالای کوهستان نیز با اولین بارندگی‌های پاییزی و ذخیره آب در "گُور اَو" که از قدیم‌الایام توسط پدران همین دامداران احداث شدند، گله‌ها را بالای کوه برده و علف خشک که به گفته خود دامداران پوشش خیلی مناسب نیز دارد تا شروع رشد علوفه جدید همه دامداران به‌صورت مشترک از مراتع برای چرای دام خود استفاده می‌کنند. از این به بعد تقریباً اوایل دی‌ماه گله‌ها را به آغل آورده و تا اوایل فروردین از علوفه‌ی تکمیلی تغذیه می‌شوند. اما هم زمان نیز در روزهای آفتابی از مراتع

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

حریم روستا برای تغذیه دام کمک گرفته می‌شود. مجدداً تمامی گله‌داران ملزم به رعایت ورود دام به استفاده از علوفه جدید و تازه کوهستان تا اواسط اردیبهشت می‌باشند. لازم به ذکر است که در مراتع کوهستان همکاری و مشارکت بیشتری بین دامداران در امر مدیریت گله یعنی ترکیب کردن گله‌ها و هدایت توسط یک نفر به‌صورت چند گروه ۲ الی ۳ نفرِ صورت می‌گیرد. همکاری دیگر که بین خود چوپانان صورت می‌گیرد برای تأمین مواد خوراکی خود آن‌هاست که این امر را بین خود تقسیم می‌کنند و به‌صورت گردش هر ۳ الی ۴ روز نوبت به یکی از چوپانان می‌رسد که به پایین کوه آمده و مواد غذایی لازم را تأمین کند. اما در دیگر موارد گله هر کدام از دامداران به‌طور کلی توسط یک نفر یعنی چوپان در اصطلاح محلی "شُون" گفته می‌شود که در واقع سرپرست خانوار است، نگه‌داری می‌شود. گروهی از افراد ساکن شهر یا روستا که دارای تعداد محدودی دام بین ۵-۱۰ رأس هستند نیز دام خود را به یکی از گله‌داران عموماً دامدار خویشاوند سپرده و هیچ نقشی در مدیریت دام در عرصه ندارند، به چنین افرادی اصطلاح محلی "اَرْباوْ" گفته می‌شود. اما لازم به ذکر است که افراد خانوار بخصوص پسران و مادر خانواده نیز در زمان بره‌زایی و همچنین زمانی که گله به مدت چند ماه در بالای کوه می‌مانند در همراهی چوپان نقشی اساسی دارند. در بهار و تابستان نیز دام‌های کوچک را از گله جدا کرده و جداگانه (به‌منظور از شیر گرفتن و شیردوشی دام‌ها همچنین آماده‌سازی دام‌ها برای جفت‌گیری بعدی) به مرتع برده می‌شوند. اصطلاحاً به کسی که بره‌های کوچک را به مرتع می‌برد "بَرگِلُون" و شخص مسئول نگه‌داری بچه‌های کوچک بز "بیگِلُون" گفته می‌شود. این افراد معمولاً از اعضای خانواده ترجیحاً فرزندان کوچک‌تر هستند (ساختار توضیح داده شده در شکل ۱). در این ساختار "شون" ارتباط مستقیم با سه عضو دیگر دارد اما "ارباو" تنها با شون ارتباط برقرار می‌کند. در ادامه این مشارکت و هماهنگی شکل گرفته در بین دامداران در استفاده از مرتع، این ساختار برای تولید و مدیریت محصولات دامی در بین زنان روستا به یک نهاد خانوادگی یا "عیالواری" جز در موارد جزیی که در ادامه بحث می‌شود مشارکت و همکاری دارند، شکسته می‌شود. در مورد مدیریت گاو نیز باید گفت که گاوها در طول سال در آغل نگه‌داری شده و توسط زن خانواده با علوفه ذخیره‌شده تعلیف می‌گردند.



شکل ۱: نهاد اجتماعی در مدیریت گله بین چوپان و دیگر اعضا مرتبط

چگونگی روابط بین گله داران روستا

مهم‌ترین رابطه در بین گله‌داران رابطه دوستی، همکاری و خویشاوندی است. به‌طوری که در مواقع ضروری که شخص اصلی یعنی "شُون" نتواند گله را برای چرا به مرتع ببرد در این صورت به‌منظور دوستی و همکاری گله‌دار دیگری، دام او را به چرا می‌برد. اما به‌طور کلی استفاده از مرتع به‌صورت گروهی و هدایت گله فردی است. از نظر دامداران وضعیت مرتع نسبت به شرایط اقلیمی متفاوت است، اما به‌طور کلی مرتع در وضعیت متوسط است.

میزان نقش زنان روستا در تولید و مدیریت محصولات

در فرآیند تولید این محصـــولات زنان و دختران از دامنه‌ی سنی ۱۰ تا ۶۵ الی ۷۰ سال نقش دارند، بیشتر و کمتر از این سن به دلیل عدم توانایی نقش چندانی ندارند. بنابراین به‌طور کلی بیان می‌گردد که تولید محصـــولات دامی در هر خانواده قریب به ۸۰ درصد بر عهده زن خانواده یعنی مادر است.

شناخت و عملکرد دانش بومی در تولید شیر و فرآوری‌های آن

در روستای امامزاده صالح کوتاه عمده تولیدات دامی در فصل بهار و تابستان تولید می‌شود. علاوه بر مدیریت گله که بر عهده مرد خانواده و البته گاهی با کمک دیگر اعضای

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

خانواده است، زن روستایی جدای از نقشی که در مدیریت امور منزل دارند وظیفه دوشیدن شیر و تولید فرآوری‌های آن کاملا بر عهده او می‌باشد. زنان خانواده قوه تشخیص بالایی برای جدا کردن دام شیری یا به‌اصطلاح "شیرا" از دام نر و دام ماده‌ای که شیر نمی‌دهد به‌اصطلاح "هُشْگ" و همچنین تشخیص دام‌های خانواده خود از دیگر دام‌ها دارند. این شناخت به طرق مختلف از جمله رنگ و ظاهر دام، واکنش دام به دوشیدن شیر و حتی با تشخیص صدای دام صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که منظور از دام در اینجا بز از دو نوع نژاد نجدی و شبیه به بومی سیستان و بلوچستان است، چرا که دامدارانی که گله ترکیبی دارند هدف اصلی آن‌ها از نگه‌داری گوسفند (میش) تولید گوشت، پشم و دیگر فرآوری‌هایی است که از پشم حاصل می‌شود. تولید شیر از گوسفند (میش) در سطح خیلی کم می‌باشد. اما تولید شیر و مدیریت آن در نتیجه تولید دیگر مشتقات آن از شیر گاو برای خانواده‌هایی که گاو دارند و شیر بز برای گله‌دارانی که گله کاملا بز و آن دسته از گله‌دارانی که گله ترکیبی بز و گوسفند (میش) دارند ذکر می‌گردد. عملیات دوشیدن شیر هم از گاو و هم از بز در آغل انجام می‌گیرد. چوپانان در فصل بهار و تابستان دام‌ها را هر روز ساعت ۶ صبح برای چرا وارد مرتع می‌کنند و ساعت ۱۲:۳۰ ظهر به‌منظور شیردوشی با چوبی که از درخت بلوط ایرانی *(Quercus brantii)* و بادام کوهی *(Amygdalus spp)* از جنگل‌های زاگرس کوه شو اطراف روستا به دست می‌آید و اصطلاحاً "تَرکِه" و "چُو" گفته می‌شود وارد آغل به‌اصطلاح محلی"قاش" می‌کنند. دوشیدن شیر توسط زنان روستا و یکی از فرزندان خانواده برای ثابت نگه داشتن دام انجام می‌گیرد که به‌اصطلاح آن‌ها "دُونِ ظُهْر" و سپس ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر دوباره گله به‌منظور چرا وارد مرتع شده و ساعت ۸:۳۰ شب دوباره چوپان گله را به "قاش" آورده و عملیات دوشیدن شیر برای بار دوم "دُونِ شُومُّون" انجام می‌گیرد. زنان برای دوشیدن شیر یک پارچه مخصوص که به‌اصطلاح محلی خود "شیرپال" می‌گویند به‌منظور جلوگیری از وارد شدن مو، فضولات دام و هر نوع گرد و غباری بر روی ظرف شیر می‌بندند آن‌ها همچنین هنگام دوشیدن شیر دست خود را در ظرف شیر زده و بعد شروع به دوشیدن می‌کنند، به نظر آن‌ها این کار باعث تسهیل دوشیدن شیر و مانع از زخم شدن پستان دام می‌شود. این کار بسته به تعداد دام‌های شیری و تعداد گاو بین ۱-۲ ساعت طول می‌کشد. لازم به ذکر است که هنگام دوشیدن شیر سکوت رعایت می‌شود و در صورتی که دام رم کند گفتن اصطلاح" هِشْ دُونْ هِشْ دُونْ" برای رام کردن آن به کار می‌رود. همچنین به‌منظور دوشیدن گاو نیز دو بار در روز یکی موقع صبح و دیگری موقع عصر که "دُونِ صُووُن" و "دُونِ شُومُّون" به کار برده می‌شود، دوشیدن شیر انجام می‌گیرد. به‌منظور رام شدن گاو و تسهیل دوشیدن شیر زنان از اصطلاح "پُورَیْ پُورَیْ" استفاده می‌کنند. در این روستا برای دوشیدن شیر از هیچ گونه تکنولوژی استفاده نمی‌شود، اما اگر تکنولوژی در این راستا به کار گرفته شود و یک بازار فروش مطمئن وجود داشته باشد، نه تنها باعث تسهیل کار و کم شدن زمان آن می‌گردد بلکه باعث افزایش تعداد دام بخصوص گاوداری به شکل صنعتی و افزایش تمایل جوانان به این حرفه، در نتیجه باعث بالا رفتن اشتغال و درآمد خواهد شد.

فرآوری سنتی شیر در بین گله‌داران و گاوداران

در این روستا و دیگر روستاهای اطراف، زنان نقش اصلی را در فرآوری شیر و تمامی مشتقات آن دارند. در این روستا زنان روستا در یک نهاد "عیالواری" به تولید و مدیریت محصولات دامی می‌پردازند. لازم به ذکر است که طبق گفته زنان روستا تعاونی سنتی "شیرواره" در قدیم زمانی که زندگی عشایری رواج داشت، وجود داشته به این صورت که گروهای ۳-۴ نفره شیر را به هم قرض می‌دادند و برای اندازه‌گیری میزان شیر از مقیاسی به اسم "نکار" استفاده می‌شد. "نِکار" چوبی باریک و دراز با چندین "گره" مشخص شده روی آن، از شاخه درخت کنار درست می‌شد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که دو محصول روغن محلی و کشک که از شیر تولید می‌شوند و در فصل پاییز به فروش می‌رسند، نقش اقتصادی خوبی را برای دامداران دارند. دیگر مشتقات مانند"دوو"، "کَره"، "ماست"، "تووف"، "قَرا" و "پنیر" که نیاز خانوار را از خرید آن‌ها از بازار رفع می‌کنند. در جدول (۱) چگونگی فرآوری شیر و مشتقات آن در بین زنان دامدار آورده شده است. در گذشته این محصولات نقش به‌سزایی در اقتصاد خانوار داشتند اما امروزه به‌دلیل کاهش

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

تعداد دام مبنی بر کمبود نیرو و گاهاً طولانی بودن فرآیند تولید کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. بعد از دوشیدن شیر، آن را حرارت داده و می‌جوشانند سپس آن را به‌منظور تاثیر بیشتر مایه ماست و درنتیجه تولید ماست سفت‌تر کمی سرد می‌کنند و مایه ماست اضافه می‌کنند، بعد از اضافه کردن مایه ماست اندکی آن را با یک فنجان هم می‌زنند و در نهایت ظرف شیر را با یک پوشش گرم به مدت زمان بین ۱۰-۸ ساعت می‌پوشانند (پوشش گرم اصطلاح خاصی ندارد). تشخیص دما با دست زدن به ظرف شیر و زمان لازم برای تهیه ماست بر عهده زن خانواده است. بعد از گذشت زمان لازم ماست را در "مَشْگِّدوو" (در قسمت فرآوری‌های اصلی و فرعی گله‌داری توضیح داده می‌شود) خالی می‌کنند. در مرحله بعد "مَشْگِّدوو" را به "مَلّار" آویزان می‌کنند. "مَلّار" وسیله‌ای است که از سه چوب بلند از درختان کنار (*Ziziphus spina christi*) اطراف روستا تقریباً به طول ۲ متر و قطر ۴ سانتی‌متر و چوبی کوچک‌تر به طول ۸۰ و قطر ۲ سانتی‌متر ساخته می‌شود. به این صورت که سه چوب بلند را از قسمت بالا با "بَنْد"(در قسمت فرآوری‌های حاصل از پشم و مو دام گوسفندی توضیح داده شد) به هم محکم بسته شده و چوب کوچک‌تر را دو سر آن را با "بَنْد" گره زده به‌طوری که چوب و "بَنْد" به‌صورت نیم دایره می‌شود و سپس آن را از بالا در وسط سه چوب که به‌صورت هرم روی زمین قرار گرفته آویزان می‌کنند. "مَشْگِّدوو" را نیز به این چوب کوچک می‌بندند و سپس آن را به‌صورت عقب و جلو کردن به مدت حدود ۵۰ دقیقه حرکت می‌دهند، تا ماست به دوغ تبدیل و سپس کره آن جدا گردد. در اینجا نیز زن خانواده با مهارتی که دارد دمای لازم برای جدا شدن کره از ماست را تشخیص می‌دهد اگر گرم باشد یخ و اگر سرد باشد مقداری آب ولرم به آن اضافه می‌کند. در گذشته که یخ موجود نبود به آن آب خنک "مَشْگ" اضافه می‌کردند و یا اینکه ماست را به مدت طولانی در داخل "مَشْگِّدوو" در سایه قرار می‌دادند و روی آن آب می‌ریختند تا سرد شود. کره حاصل را به مدت ۱۰-۱۵ روز روی هم جمع می‌کنند و آن را حرارت داده و مقداری آرد به‌منظور گرفتن دوغ اضافی در کره اضافه می‌کنند و به روغن تبدیل می‌شود. روغن اصلی‌ترین محصول از شیر به‌حساب می‌آید. آرد اضافه شده را با همان روغن سرخ کرده و "بانْتُو" درست می‌کنند و به‌عنوان غذا مصرف می‌کنند. فرآورده‌های دیگر مانند "تووف"، "کَشْگ"، "قَرا" از دوغ تولید می‌شود. از آنجایی که تولید دوغ روزانه صورت می‌گیرد، زنان روستا دوغ را به مدت یک هفته روی هم ریخته و در دبه نگه‌داری می‌کنند، تا به مقدار مناسب برای تولید کشک برسد، و یا اینکه نوبت به استفاده از دیگ بزرگی که توسط زنان روستا به‌صورت دو گروه چند نفره مشترک استفاده می‌شود، برسد جمع کردن دوغ را ادامه می‌دهند. در ادامه دوغ را در دیگ بزرگ روی هیزم می‌جوشانند و بعد از سرد شدن آن را داخل کیسه مخصوص خالی کرده و آویزان می‌کنند، و در زیر کیسه به‌منظور جمع‌آوری آب ظرفی قرار داده مدت زمان لازم برای جدا شدن کامل آب و سفت شدن حدود ۶ روز طول می‌کشد. در مرحله بعد "تووف" در تشت بزرگی خالی می‌کنند و به آن نمک اضافه می‌کنند و مقداری آن را ورز داده و در نهایت به‌صورت چانه‌های کوچک جدا کرده و در سینی قرار می‌دهند و آن را تا زمان خشک شدن گاها تا ۸-۱۰ ساعت در جلوی آفتاب و یا در سایه قرار می‌دهند و "کَشْگ" تولید می‌شود. از آب جدا شده در مرحله قبل نیز "قَرا" تولید می‌کنند به این صورت که آب را بر روی حرارت "هیمه" (هیزم) قرار داده و تا زمان سفت شدن و قهوه‌ای رنگ بودن می‌پزند مدت زمان تقریباً ۵-۶ ساعت طول می‌کشد. تولید پنیر، شیر را تا قبل از نقطه جوش آن حرارت می‌دهند سپس مایه پنیر را به آن اضافه کرده و به‌منظور حل شدن مایه پنیر آن را به هم می‌زنند، حدود ۳۰ دقیقه پنیر درست شده و آن را داخل کیسه می‌ریزند آویزان می‌کنند تا آب آن جدا شود و سپس پنیر داخل ظرف ریخته و به آن نمک اضافه می‌کنند و پنیر آماده مصرف می‌شود.

عقاید و باورهای فرهنگی در مدیریت شیر و فرآوری‌های آن

به عقیده دامداران، که شغل دامداری را از پدران خود به ارث برده‌اند نوعی احترام به بزرگان و اجداد خود تلقی می‌کنند. از این رو باید گفت که دامداران این روستا از قدیم‌الایام بر این نوع زندگی تکیه داشته و نسبت به سبک زندگی خود تعصب دارند. از آنجایی که تولید و فرآوری محصولات شیر وظیفه زنان روستا است، باورهایی در بین آنان وجود دارد که همه آن‌ها به‌صورت مشترک همچنان بر

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

این عقاید و فرهنگ‌ها پایبند می‌باشند. آن‌ها هر نوع کار خود را از جمله دوشیدن شیر و تولید مشتقات آن را بر اساس باور مذهبی با نام خدا و صلوات شروع می‌کنند چرا که بر این باورند که باعث برکت در مقدار آن‌ها می‌شود. آن‌ها عقیده دارند که اولین شیری که از گله یا از گاو دوشیده می‌شود و همچنین اولین تولید ماست و دوغ، از دام گوسفندی و گاو باید در یکی از ایام به‌اصطلاح خود "خُو" ماه (قمری) باشد. به این صورت که آن‌ها این فرآیند را در روزهای، ۱۳، ۲۱، ۲۳ و ماه قمری انجام نمی‌دهند، به این علت که این روزها نحس و بی‌شگون تلقی کرده و باعث کم شدن شیر دام می‌شود، آن‌ها همچنین در شب شنبه و دم غروب هر روز هفته هیچ گونه مقدار از شیر، دوغ، ماست و حتی آرد که به‌اصطلاح خود"اِسْبیدی" (هر چیزی که به رنگ سفید باشد) یا "چیت" (مایه ماست) را از خانه بیرون نمی‌کنند. چرا که عقیده دارند این کار باعث کم شدن رزق، شیر دام و گاهی باعث تلف شدن دام می‌گردد. عقیده‌های دیگری که در رابطه با تولید شیر از گاو دارند این است که بعد از گوساله‌زایی کسی که از اشخاص خانواده نباید آن روز به حمام برود و حتی همسایگانی که آن روز حمام کردند نباید به آغل ایشان سر بزند، چرا که مقدار شیر گاو کم می‌شود. همچنین باور دارند که اگر اولین ماست تولید شده از شیر گاو را بین همسایه‌ها پخش کنند باعث ازدیاد مقدار شیر می‌گردد. عمل دیگری که به پشتوانه باور در بین زنان روستایی رایج است، این است که آن‌ها جفت گاوی را که تازه گوساله‌زایی کرده به شاخه‌ی درخت سبز آویزان می‌کنند تا خشک گردد چرا که عقیده دارند، این کار باعث ازدیاد شیر گاو می‌گردد و معتقدند که گاو همانند درخت که مستمر ثمر است گاو نیز دوباره گوساله‌زایی می‌کند. جالب است که بیان شود در صورتی که شخصی به غیر از زن خانواده بخواهد شیر گاو را بدوشد باید لباس او را به تن کند، گفته شده که گاو لباس او را بو می‌کشد و او را غریبه تشخیص نداده و شیردهی گاو آسان می‌گردد. باید گفت که همه‌ی این تلاش‌ها و باورها به‌منظور کمک به اقتصاد خانواده، جلوگیری از ضرر و ترحم نسبت به دام به وجود می‌آید.

فرآوری‌هایی تحت عنوان صنایع دستی حاصل از پشم، مو و پوست دام گوسفندی

با توجه به این که هدف اصلی دامداران روستا از پرورش دام گوسفندی تولید گوشت یا همان فروش دام می‌باشد. اما در این راستا از پشم و مو دام‌ها، بر حسب ضرورت کاربردی آن‌ها در زندگی روستائیان صنایع دستی نیز توسط زنان روستا فرآوری می‌شود، که از خرید آن‌ها از بازار جلوگیری کرده در نتیجه باعث کمک به اقتصاد خانوار می‌گردد. مردان روستا در اوایل فصل بهار به‌منظور مدیریت اثر گرما بر روی دام و حفظ کیفیت پشم از آلوده شدن به بذر گیاهان، پشم و مو دام را می‌چینند. در مرحله بعد نقش زنان روستا به‌منظور استفاده هر چه بیشتر و بهتر از این پشم پر رنگ‌تر می‌شود. اولین کاری که به‌منظور استفاده از پشم صورت می‌گیرد، شستن پشم و در نتیجه حلاجی کردن آن است که به‌منظور این کار با دست خود زنان روستا انجام می‌گیرد. گاهاً بر حسب حجم استفاده از پشم از ماشین آلات مخصوص در بیرون از روستا برای حلاجی پشم استفاده می‌شود. از آن وسایلی مثل "دُشَک" و "نون وَنی" درست می‌کنند. در مورد دیگر پشم شسته و حلاجی شده را با ابزاری به نام "پَره" (دوک) که به‌صورت دو چوب به حالت ضربدر رو هم قرار می‌گیرد و میله‌ی چوبی که به‌طور قائم از میان آن‌ها عبور داده می‌شود، پشم را می‌ریسند و "رِشْتِن" درست می‌کنند. این "رِشْتِن" به‌عنوان پایه‌ی دیگر صنایع دستی مثل "تار در گلیم بافی"، "وِریسْت"، "آوّار"، "بَنْد" و "آوسار" به کار گرفته می‌شود. "وِریسْت" به طول تقریباً ۶ متر از بافته شدن "رِشْتِن" با ۱۶ تعداد از ابزاری به نام"دُووْال" با ۴ سوراخ که مجموعا ۶۴ تار از "رِشْتِن" و دومیخ توسط زنان روستایی بافته می‌شود، "آوّار" همانند "وِریسْت " است با این تفاوت که در طول کمتری بافته می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مورد دیگر، در صورتی که پوست را بدون جدا کردن پشم خشک کنند به‌عنوان "وَرپایی" کاربرد دارد. در مورد موی بز بیان می‌گردد که "رِشْتِن"، "آوسار" و "بَنْد" درست شده نسبت به پشم به گفته‌ی زنان روستا محکم‌تر است. به این منظور همان‌طور که برای پشم ذکر شد، موی بز را می‌ریسند و آن را با چند لایه کردن "رِشْتِن" و ریسیدن دوباره "بَنْد" محکمی با طول‌های متفاوت بامهارت دست توسط زنان حاصل

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

می‌شود. در مرحله بعد به‌صورت ۱۲ تار از این "بَنْدها" بامهارت دستان زنان روستایی "اَوسار" بافته می‌شود و به‌عنوان بستن دام در آغل و دیگر ضروریات زندگی‌شان کاربرد دارد. در اینجا به شرح کاربردهای مختلف پوست گوسفند و بز پرداخته می‌شود با این تفاوت که به گفته زنان روستا پوست بز ماده نیز به‌منظور تولید "خیگ"، "مَشْگ" و "مَشْگّدوو" از کیفیت بهتری برخوردار است. به‌منظور درست کردن"خیگ" در ابتدای کار نمک و آرد برای جلوگیری از گندیده شدن پوست به مدت تقریبی ۵ روز در داخل پوست اضافه می‌کنند، بعد از گذشت این مدت آستر پوست را درآورده و با چاقو اثرات نمک و آرد را تمیز می‌کنند. در مرحله بعد نمک، زردچوبه و گیاه چویل (*Ferulago angulata*) به‌منظور جلوگیری از گندیده شدن و خوش‌رنگ‌تر شدن قسمت درونی پوست و همچنین گیاه خشک شده چویل که خاصیت ضدعفونی دارد برای جلوگیری از فاسد شدن پوست، ضد عفونی کردن آن و مهم‌تر معطر شدن پوست گیاه چویل را داخل و روی آن به مدت ۳ روز نگه می‌دارند. بعد از این مدت شیر گاو و آرد تفت داده شده را به‌منظور ضخیم‌تر، محکم‌تر و نرم شدن پوست در یک دوره ۷ روزه در داخل پوست می‌ریزند و در مرحله آخر این مواد را از درون پوست تمیز کرده و ۲-۳ بار شیره انگور به‌منظور این که شیره به خورد پوست برود و قسمت درونی پوست را صاف و یکدست شود برای هر بار در دوره ۴-۵ روزه درون پوست می‌ریزند و در نهایت "خیگ" آماده شده و "روغن محلی" که شرح آن گذشت به مدت طولانی بدون این که نه تنها از کیفیت روغن کاسته نمی‌شود بلکه روغن معطر و خوشمزه‌تر می‌گردد، درون آن نگه می‌دارند. "مشگ" را نیز از هر دو پوست بز و گوسفند درست می‌کنند، اما پوست بز به این منظور کیفیت بهتری دارد. فرایند تولید این محصول نیز به این صورت است که پوست را نمک می‌زنند به این دلیل که گندید نشود، به مدت یک هفته این نمک روی پوست و داخل می‌ماند. بعد از گذشت این زمان "جَفْت" خشک به‌منظور معطر و ضخیم‌تر کردن پوست به مدت ۲۰ روز در آن می‌ریزند. باگذشت این زمان جفت را در ظرفی می‌پزند و پوست را به مدت یک هفته درون آن نگه می‌دارند به این دلیل که جفت باعث جدا شدن چربی یا گوشت اضافی از پوست و همچنین محکم‌تر و ضخیم‌تر شدن پوست می‌گردد. در نهایت نیز پوست را که به مشک تبدیل شده را شسته و به‌منظور استفاده آب در آن می‌ریزند. در نهایت نحوه فرآوری "مشگدوو" بیان می‌شود که این محصول نیز از پوست بز تهیه می‌گردد. به این صورت که پوست را برای راحت کندن موی آن به مدت ۳ روز بدون نمک نگه می‌دارند و بعد از جدا شدن موی آن همانند مشک پوست را به مدت ۳ روز داخل جفت پخته شده می‌گذارند بعد از این مرحله پوست را بیرون آورده و آن را با "جو" پر می‌کنند و به مدت چند روز نگه می‌دارند، که هم خشک شده و هم دود دادن آن راحت گردد. در این جا نیز پوست را به مدت ۲۰-۳۰ روز به‌منظور آنتری باکتریال کردن با دود بوته گون (*Asteragalus spp*) در یک اتاقک کاملاً مسدود شده دود می‌دهند و درنهایت "مشگدوو" را شسته و استفاده می‌کنند. در امر تولید "مشگدو" زنان روستا به‌صورت همکاری چند خانوار همسایه در این مدت دود دادن در استفاده از اتاقک و دود بر پا کردن همکاری می‌کنند.

اصلی‌ترین و اقتصادی‌ترین محصولات برای دامداران روستا

در این روستا اصلی‌ترین و اقتصادی‌ترین هدف از نگه‌داری دام، تولید گوشت است. به این منظور که دام خود را پرورش داده و به فروش می‌رسانند. اما از میان فرآوری‌های شیر به گفته آن‌ها "کَره"، "روغن محلی" و "کشگ" بیشترین سودآوری را دارند. فروش پشم نیز به نسبت کمتر سودآور تلقی می‌شود. سودآوری بیشتر از پشم ملزم به داشتن گوسفند زیاد است بنابراین از آنجایی که نگه‌داری گوسفند همانطور که قبلاً بیان شد به دلیل کمبود کمک نیروی جوان کم شده، پس سودآوری از پشم نیز به‌تبع آن کمتر می‌گردد. اما به‌طورکلی کمک گرفتن از تکنولوژی در این راستا می‌تواند سرعت تولید را زیاد و سودآورتر کرد. ناگفته نماند که دیگر محصولات تولید شده نیز با توجه به اینکه نیاز خانواده را نسبت به تهیه‌ی آن‌ها از بازار رفع می‌کند، نقش بسیار مهمی را در اقتصادی خانوار ایفا می‌کنند.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

جدول ۱: شیر و فرآورده‌های حاصل از آن

نام محلی	نام فارسی	طریقه فرآوری	موارد مصرف	وضعیت مدیریت	وضعیت فروش	ملاحظات
لوی	آغوز	شیری که در سه روز اول بعد از متولد شدن بره و گوساله دوشیده می‌شود را جوشانده تا به‌صورت پنیر سفت شود.	مصرف غذا	استفاده خانگی	ندارد	این محصول برای گاو نسبت به بز بیشتر است.
شیر	شیر	از دوشیدن شیر دام (گاو و گوسفند و بز)	مکمل غذایی، صبحانه و فرآوری برای دیگر محصولات فرعی که از شیر تولید می‌گردد	استفاده خانگی	ندارد	برای هر دو دام به فرآوری ثانویه تبدیل می‌شود
پنیر	پنیر	از جوشاندن شیر و اضافه کردن مایه پنیر حاصل می‌شود.	مصرف غذایی برای صبحانه	استفاده خانگی	ندارد	از شیر گاو بیشتر تولید می‌شود
ماست	ماست	از جوشاندن شیر و اضافه کردن مایه ماست تولید می‌شود.	همرا غذا و میان وعده استفاده می‌شود	استفاده خانگی	ندارد	ماست گاو کیفیت بهتری دارد
دوو	دوغ	از خالی کردن ماست در "مشگدوو" و آویزان کردن این مشکدو به "ملار" درست می‌شود این عملیات بسته به مقدار ماست بین ۳۰-۶۰ دقیقه طول می‌کشد.	همراه غذا و نوشیدنی سرد برای خنک شدن در هوای گرم تابستان	مازاد بر استفاده خانواده بین اقوام تقسیم می‌شود.	ندارد	به نظر مردم محل دوغ حاصل از ماست بز باکیفیت‌تر است
توقف	کشک	از خالی کردن دوغ جوشیده شده در کیسه-های مخصوص که از بازار تهیه می‌شود و درنتیجه جدا شدن آب آن حاصل می‌شود.	مصرف غذایی	مصرف خانوار	ندارد	تووف حاصل از دوغ بز رنگ سفیدتری دارد
کشک	کشک	از قالب کردن توف تولید شده و خشک کردن آن در زیر آفتاب حاصل می‌گردد	مصرف غذایی به‌عنوان چاشنی غذا	مصرف خانوار و تقسیم بین اقوام	دارد	کشک حاصل از دوغ بز روشن‌تر و سفیدتر از کشک دوغ گاو است.
قرا	قله قوروت	از جوشاندن آب جدا شده در مرحله تووفف جوشیده حاصل می‌شود.	چاشنی غذا	مصرف خانوار و تقسیم بین اقوام	دارد	قره قوروت حاصل از دوغ بز باکیفیت‌تر از گاو است
کره	کره	از هم زدن ماست در مرحله تولید دوغ جدا می‌شود	برای صبحانه و چاشنی غذا	مصرف خانوار و تقسیم اقوام	دارد	کره حاصل از ماست بز باکیفیت‌تر و گران قیمت‌تر از کره گاو می‌باشد.
روغن محلی	روغن حیوانی	از جوشاندن کره و اضافه کردن مقداری آرد به‌منظور جدا شدن دوغ اضافی در کره به دست می‌آید	چاشنی غذا، صبحانه	مصرف خانوار و تقسیم بین اقوام	دارد	روغن حاصل از کره بز بسیار باکیفیت‌تر و گران‌تر از روغن کره گاو است

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

جدول ۲: صنایع دستی حاصل از پشم و مو دام گوسفندی

نوع دام	ردیف	نام محلی	نام فارسی	نحوه فرآوری	موارد استفاده	وضعیت مدیریت	وضعیت فروش
گوسفند	۱	پشم	پشم	از چیدن پشم بدن گوسفند در فصل بهار با ابزاری به اسم "چره" حاصل می‌شود	پشم را شسته و حلاجی کرده و در کیسه-هایی ریخته و تشک تولید می‌کنند (ترجیحا پشم سفید نباشد)؛ و وسیله‌ای بنام محلی"نون ونی" که کیسه آن به‌صورت دایره‌ای به قطر ۳۰ سانتی متر است و در فرآیند نان پختن به کار می‌رود	خانگی و تقسیم بین اقوام	دارد
	۲	رشتن	نخ قالیبافی	از ریسیدن پشم سفید با دوک به اسم محلی "پره" توسط زنان روستا حاصل می‌شود. در نتیجه آن را لایه لایه کرده و به آن "ماشوور" گویند، حاصل می‌شود	به‌عنوان تار در گلیم بافی و پود قالیبافی به‌صورت رنگ شده استفاده می‌شود	خانگی	دارد
	۳	وریست و اوار	باربند	"وریست" به طول ۶ متر و "اوار" به طول کمتر از بافته شدن "رشتن" با ابزاری به نام"دووال" و دومیخ توسط زنان روستایی حاصل می‌شود	موارد استفاده این محصول بیشتر از طناب است.	خانگی	ندارد
	۴	ورپایی	زیرانداز	از خشک کردن پوست گوسفند قصابی شده بدون جدا کردن شم آن تولید می‌شود	به‌عنوان زیر انداز استفاده می‌شود	خانگی	ندارد
بز	۱	رشتن	نخ	از ریسیدن موی بز	به‌عنوان تار در گلیم	خانگی	ندارد
	۲	اوسار	افسار	از چند لایه کردن "رشتن" و ریسیدن دوباره "بند" محکمی حاصل می‌شود و در مرحله بعد به‌صورت ۱۲ تار از این "بندها" بامهارت دستان زنان روستایی طناب حاصل می‌شود که به‌عنوان افسار به کار می‌رود	برای بستن دام در آغل استفاده می‌شود	خانگی	ندارد
	۳	بند	طناب	با طول‌های متفاوت از ریسیدن دوباره چند تار از "رشتن" و در نتیجه بافته شدن با دست توسط زنان حاصل می‌شود	برای بستن دام در آغل و برای هر استفاده دیگیری که نیاز به طناب باشد استفاده می‌شود.	خانگی	ندارد
	۴	مشگ او	مشک آب	از پوست بز نر و ماده درست می‌کنند. ولی ماده باکیفیت‌تر است.	برای خنک کردن آب در فصل تابستان	خانگی	ندارد
	۵	مشگدوو	مشک دوغ	از پوست بز نر و ماده به دست می‌آید. پوست بز ماده بیشتر استفاده می‌شود.	به‌منظور تهیه دوغ از ماست و همچنین نگه‌داری دوغ برای مدت طولانی	خانگی	ندارد
	۶	خیگ	خیک	از پوست بز نر و ماده درست می‌کنند. ولی ماده باکیفیت‌تر است.	به‌منظور نگه داری از روغن به مدت طولانی	خانگی	ندارد

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج این تحقیق مردم منطقه مورد مطالعه دانش سنتی خود را در استفاده پایدار از مرتع و سودآوری از آن را با استراتژی‌های بومی حفظ کردند؛ ولی فرزندان آن‌ها نسبت به ادامه این سبک زندگی، تمایلی نشان نمی‌دهند. چرا که باور دارند مانع پیشرفت، رفاه و آسایش خود و فرزندانشان در آینده خواهد شد. زیرا نسبت وقت و هزینه مادی و معنوی در دامداری سنتی و سودی که حاصل می‌گردد، جوابگوی میزان سطح پیشرفت و افزایش هزینه‌های رفاهی نیست؛ بنابراین اگر در این راستا اقداماتی در جهت بالا بردن جذابیت و انگیزه، امکان کسب درآمد بالا نسبت به مرتع‌داری صورت نگیرد، دامداری و مرتع‌داری به شیوه سنتی در ایران که ریشه در بین روستاها و عشایر دارند با چالش روبه رو می‌شود همان‌طور که در این روستا به نسل بعد منتقل نشده است. در این راستا اولین مورد موضوع "مسئله‌یابی" است که می‌توان با انجام مطالعات بیشتر و برقراری ارتباط نزدیک‌تر با مردم محلی به روشن شدن موضوع کمک کرد؛ اما شاید بتوان گفت که راهکارهای دامداری نیمه صنعتی با پرداخت تسهیلات کم بهره، حمایت جدی در مواقع خشک‌سالی، کنترل جدی بیماری‌های دامی، پرورش دام‌های اصلاح نژادی با امکان بره‌زایی بیشتر، پرورش نژادهای دام گوشتی و مقاوم، رسیدگی به وضع مراتع از لحاظ کمیت و کیفیت علوفه و آب قابل مصرف دام‌ها از طریق طرح‌های مرتع‌داری، بیمه کردن دام‌ها و حتی آغل آن‌ها، آموزش و فرهنگ‌سازی در استفاده هم زمان از دیگر زمینه‌های مرتع‌داری مثل پرورش زنبور عسل، کاشت و برداشت گیاهان دارویی، تقویت و استفاده از پتانسیل‌های گردشگری، حمایت کلی از روستا و روستاییان برای جلوگیری از مهاجرت و... می‌توانند در این راستا راه‌گشا باشند؛ اما باید گفت که دانش بومی نیز به نوبه خود دارای ضعف‌هایی است که نیاز به بررسی و شاید تلفیق آن‌ها بادانش نوین به‌عنوان یک شیوه پذیرفته شده در ارزش‌دهی به دانش بومی مؤثر باشد. همه نظام‌های دانش، محدودیت‌ها و ضعف‌هایی دارد و دانش بومی نیز از این قاعده مستثنی نیست. دانش بومی و علم در همه شرایط و موقعیت‌ها، مناسب و دقیق نیست. غیر معقول است که بپذیریم همه دانش‌های بومی، اعمالی مناسب و در جهت پایداری محیط را در پیش گرفتند (۲۰). دانش بومی در روستاها در تمام زمینه‌های استفاده از طبیعت به کار گرفته شده و در این راستا نیز مردم عقاید و باورهای فرهنگی خود را تشکیل داده‌اند، بی‌شک زنان روستایی به‌عنوان یکی از مجریان دانش بومی در ارتقاء این مهم نقش به‌سزایی را ایفا می‌کنند. همان‌طور که در این تحقیق نشان داده شد زنان روستا با حفظ سنت‌های قدیمی خود، در جهت سودآوری و بالا بردن سطح اقتصادی خانوار هم دوش با مردان در یک نظام "عیالواری" و در نتیجه در ارتباط با دیگر زنان روستایی یک ساختار اجتماعی پسندیده و صمیمی را در روستا شکل داده‌اند؛ به عبارت دیگر اگرچه "عیالواری" در سطح خانواده است اما این به معنی این نیست که نسبت به نیاز دیگر همسایگان بی‌توجه باشند. در تحقیقی که به بررسی عملکرد سیستم مدیریتی تعاونی همشیری در بین زنان روستایی با عنوان «شیردان» پرداخته شد، ابعاد مختلف دانش بومی، مکانیسم مدیریت شیر در بین زنان و همچنین سنت‌ها و عرف محلی مرتبط با آن مورد بررسی قرار گرفت. در این سیستم زنان دامدار، با روی هم ریختن شیر دام‌هایِ خود، حجم شیر تولیدی و محصولات برگرفته از شیر را افزایش می‌دهند. این امر به بهره‌وری اقتصادی، خودکفایی، امرار معاش، و اقتصاد پایدار گله‌داران منجر می‌شود. بر اساس نتایج این تحقیق، بیان کردند که زنان روستایی، در روستای مورد قصر یعقوب، بر اساس عرف محلی خود و به‌منظور مدیریت شیر دام‌ها، نهاد اجتماعی را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند. این تشکل‌ها برخاسته از دانش بومی منطقه است و نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران به شمار می‌رود و نقش مهمی در حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و پایداری مؤلفه‌های اقتصادی ساکنان منطقه ایفا می‌نماید (۱۸). در ادامه در تحقیق دیگری پیرامون این سیستم مدیریتی تعاونی سنتی (شیردان) در شبکه زنان روستای قصر یعقوب بر مکانیسم مدیریت شیر در بین زنان و همچنین برخی سنت‌ها و عرف‌های محلی مرتبط با آن پرداختند بیان داشتند که زنان دامدار روستایی در روستای مورد مطالعه بر اساس عرف محلی خود و به‌منظور مدیریت شیر دام‌ها نهاد اجتماعی را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند. همچنین اظهار داشتند که این تشکل‌ها برخاسته از دانش بومی زیست محیطی منطقه بوده و نقش

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

مهم در معیشت خانواده و اقتصاد روستا ایفا می‌نمایند. در عین حال پایه‌های ساختار فرهنگی و اجتماعی روستا را مستحکم می‌نمایند (۱۹). در این راستا کوین (۲۰۱۵) در کتاب توسعه پایدار چین روستایی معتقد است که مسیر توسعه پایدار برای مناطق روستایی باید به‌صورت یکپارچه و سیستماتیک در سه دیدگاه اقتصادی، محیط‌زیست و سیستم‌های اجتماعی باشد (۱۶). در تحقیق دیگری پیرامون سنت‌های محلی در مدیریت فرآورده‌های لبنی دام گوسفندی و گاوی در جنگل‌های بالادست شمال صورت گرفت، محقق بیان داشت که تحلیل دانش بومی گله‌داران در مدیریت دام در جنگل و شناخت ابعاد مختلف دانش بومی در فرآوری و تقسیم مشتقات شیر گوسفندی در فصل تابستان در قالب تعاونی سنتی "عیارزنی" است. در این نظام نیز مالکین دام با روی هم ریختن شیر دام‌های مربوط به خود، حجم شیر تولیدی و محصولات برگرفته از شیر را افزایش می‌دهند. این امر منجر به بهره‌وری اقتصادی، خودکفایی، امرار معاش و اقتصاد پایدار گله‌داران می‌شود؛ و نوع تعاونی "شیر به شیر"بین گاوداران روستا برای مدیریت شیر دام گاوی شکل گرفته است. بر اساس نتایج این محقق گله‌داران در روستای مورد مطالعه، برای مدیریت دام و فرآوری شیر آن‌ها، سازمان اجتماعی را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند. این سازمان نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران محسوب می‌شود. تقویت انسجام و سرمایه اجتماعی شکل گرفته در شبکه اجتماعی گله‌داران نقش مهمی را در پایداری اقتصاد معیشتی ساکنین این منطقه ایفا می‌کند. همچنین اظهار داشتند که وجود همیاری در بین شبکه اجتماعی گله‌داران سبب نهادینه شدن عرف‌ها و باورهای فرهنگی در این منطقه شده است (۲). ناگفته نماند که در این تحقیق علاوه بر محصولات لبنی حاصل از شیر، صنایع دستی فرآوری شده از پشم، مو و پوست دام گوسفندی با توجه به اهمیت و نقشی که در زندگی روستایی دارند پرداخته شد، که در این جا نیز فرآیند تولید آن‌ها با توجه به مهارتی که لازم دارند کاملا بر عهده زنان روستا می‌باشد. بنابراین در این تحقیق نقش پرکاربرد و پر زحمت زن روستایی نمایان‌تر شده و می‌توان با استفاده از این تحقیق و سایر پژوهش‌های محققان دیگر در رابطه با نقش زنان این سرزمین به یک شباهت در زمینه فعالیت، فداکاری، تلاش و امید پی برد. در حال حاضر به علت تمایل زنان و دختران جوان به تحصیل و زندگی همراه با امکانات مدرن که در نتیجه تغییر فرهنگ سنتی آن‌ها به وجود آمده است پیش‌بینی می‌شود که این دانش در آینده کمتر مورد حمایت آن‌ها قرار گیرد.

در نهایت می‌توان گفت که دانش بومی هر قوم بخشی از سرمایه آن‌هاست که آن را در حافظه ثبت کرده‌اند و بر اساس آن آداب و رسوم، باورها و قوانین خاص خود را به وجود آورده‌اند. این قوانین نه تنها در تضاد با روح قوانین حاکم بر طبیعت نیست بلکه شیوه‌ای درست و متفاوت در جهت بیان پتانسیل‌های منابع طبیعی خدادادی می‌باشد. همچنان که مردمان روستا همیشه با نوع بهره‌برداری از منابع طبیعی و ارتباط مستقیم با آن شکرگزار بوده و هیچ وقت از روی عمد در پی ضرر و زیان رساندن به این سرمایه‌ی معنوی نبودند. بنابراین شایان ذکر است که با حفظ و حراست از این سنت‌ها، به نقش دانش مردم بومی در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های آبادانی و توسعه روستایی که همان روش مناسب برای مدیریت منابع طبیعی با در نظر گرفتن شرایط محیطی است، اگر مورد توجه قرار گیرد و آن‌ها را در جهت تلفیق روش سنتی با شیوه‌های نوین، تعاونی‌های فروش ایمن و در نتیجه تشویق به تولید بیشتر این محصولات کمک کرد. به‌طورکلی دانش بومی و راهکارهای سنتی مجموعه‌ای از دانش تجربی بشر می‌باشند که نه تنها از طریق علم کاملا قابل فهم و درک است بلکه برای ابداع راهکارهای مناسب قرن بیست و یکم ضروری است (۸). دانش مذکور ضمن اینکه ابزار توسعه بوده، به‌عنوان کاتالیزور، تکنولوژی وارداتی را متناسب با محیط ساخته و به دلیل مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی دارای ارزش اقتصادی و قابلیت مبادله‌ای نیز می‌باشد (۱۲). بنابراین بی‌توجهی به این دانش می‌تواند باعث سرکوب بسیاری از انگیزه‌ها برای پیشرفت اقتصادی و همچنین عدم تداوم این سنت‌ها شود. امروزه، استفاده هم‌زمان از دانش بومی و دانش رسمی یک استراتژی اساسی است، که متخصصان برای توسعه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه بدان تاکید کرده‌اند تا بدین ترتیب در مطالعات و پیش از اجرای طرح‌های مشارکتی، به‌منظور جلب مشارکت‌های بیشتر مردمی، به شناسایی، دانش بومی

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]

و روش‌های سنتی پرداخته شود (۱۱، ۱۳). آنچنان که کشورهای در حال توسعه در پی آن‌اند که بر اساس اندیشه‌ها و نهادهای موروثی خود شکل تازه‌ای از جامعه خلق کنند (۳).

References

1. Afsharzadeh, N. & A.H. Papzan, 2011. Indigenous knowledge of livestock nutrition of Kalhor nomad, Rangeland, 5(3): 322-333
2. Alibabaei, E., M. Ghorbani., M. Marvi Mohajer & M. Avatefi Hemat, 2014. Indigenous Knowledge and Local Traditions in management of sheep products (Case Study: Kodir village- Mazanderan province), Rangeland Journal, The Scientific and Research Journal of Iranian Range Management, 8(1): 84-77
3. Batamur, B.T., 1978. Sociology. Translated by Mansur, H. and Hoseini Kaljaei, H., 330p.
4. Berkes, F., J. Colding & C. Folke, 2000. Rediscovery of traditional ecological knowledge as adaptive management. Journal of Ecological Applications, 10:1251-62.
5. Berkes, F., J. Colding & C. Folke, 2008. Navigating social-ecological systems: building resilience for complexity and change. Cambridge University Press.
6. Firuzruz, M., R. Erfanzadeh., M. Ghorbani & S. Rasekhi, 2015. Social network analysis and structural scheme of social relation among rangeland stakeholders (Case study: Takor village, Noor). Journal of Rangeland, 9(3): 244-254.
7. Farhadi, M., 2000. Look at Types of Flocks. & Shepherds and Assisting in 'Chakne' stock grazer (yeoman) in Iran. Geographical Research, (58,59): 135-166.
8. Farhadi, M., 2008. VÂRA: Introduction to Anthropology and Sociology, Enteshsar publication Co., 545 p. (In Persian).
9. Ghorbani, M., KH. Rahimi Balkanlv., M. Jafari & A. Tavili, 2015. Analyzing the social capital in rangeland stakeholders network for adaptive co-management (ACM), Journal of Rangeland, 9(1): 91-105.
10. García-Alvarado, J.S., M.J. Verde-Star & N.L. Heredia, 2001. Traditional uses and scientific knowledge of medicinal plants from Mexico and Central America. Journal of herbs, spices & medicinal plants, 8(2-3): 37-89.
11. Hare, M. & J. Krywkow, 2008. Participatory process management. International Congress on Environmental Modeling and Software, 888-899.
12. Habiba, S. & GH. Motamedi, 2006. Supporting Traditional knowledge as part of Intellectual Property salary, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University, (72):123-162.
13. Keough, N., 1998. Participation development principle. Journal of Community Development, 33:186-196.
14. Parthiban, R., S. Vijayakumar., S. Prabhu & J.G.E.M. Yabesh, 2015. Quantitative traditional knowledge of medicinal plants used to treat livestock diseases from Kudavasal taluk of Thiruvarur district, Tamil Nadu, India. Revista Brasileira de Farmacognosia.
15. Parhizkari, A., M.M. Mozafari., A. Mahmoodi & M.Shokat Fadaei, 2014 Economic situation in the beekeeping industry beekeeping prone rangelands (Case study: rangelands Alamut). Journal of Rangeland, 1(3):113-132.
16. Qin, B., 2015. Sustainable Development in Rural China: Field Survey and Sino-Japan Comparative Analysi, Business School University of Shanghai for Science & Technology Shanghai, China, 111p.
17. Rasekhi,S., M. Ghorbani., A. Mehrabi & S.A. Javadi, 2014. Cultural ecology: Analysis of indigenous knowledge and social cohesion in milk management of grazing animals on rangeland (Case study: Ghasr e Yaghub village, Khorram Bid, Fars province). Journal of Range and Watershed management, 67(2):217-232.
18. Rasekhi, S. & M. Ghorbani, 2014. The role of indigenous knowledge and traditional bungs in Rural Women's Network Case Study: James Palace Village, an international conference on sustainable development, strategies and challenges with a focus on agriculture, natural resources, environment and tourism), 10 p.
19. Rafie Far, J., H. Daneshmehr & R. Ahmadrash, 2012. Insights and research in indigenous knowledge and its position in sustainable rural development. Journal of Rural Development, (1): 20-38.
20. Salarvand, Z. & B. Khosravipoor, 2014. The impact of rural women, indigenous knowledge on sustainable rural development. agriculture and sustainable development, (48): 8-18.
21. Yeganeh., H., H. Rafiei., E. Saleh & A. Bazgir, 2015. Estimating the Recreational Value of Taham Watershed Rangelands in Zanjan by Using a Contingent Valuation Method, Journal of Agricultural Economics,Issue 4: 151-175.
22. Yonah, N., L. Seleti & T. Gaoshebe, 2014. Rural Women Subsistence Farmers, Indigenous Knowledge Systems and Agricultural Research in South Africa. J Hum Ecol, 48(1): 33-41
23. Zamani Pour, A., J. Mohammad gholiniya & K. Ghous, 2012. Application of local knowledge in producing cattle products. Social and Cultural Studies in Khorasan, (21): 74-98.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.3.4.5]